

بازتاب اشغال فلسطین در ایران پیش از انقلاب اسلامی



www.taqrab.ir

با اسمه تعالیٰ

بازتاب اشغال فلسطین در ایران پیش از انقلاب اسلامی

محمدحسن بهشتی

سرا نجام، استقلال دولت نا مشروع اسرائیل در سرزمین فلسطین، که از مدت ها مورد طمع یهودیان صهیونیست بود، در ۱۴ مه ۱۹۴۸ توسط داوید بن گوریون، اولین نخست وزیر اسرائیل، اعلام شد و تنها دقایقی بعد توسط آمریکا به رسمیت شناخته شد. قبل از این اعلام رسمی، درگیری های بسیاری میان مسلمانان و صهیونیسم شکل گرفته بود. درگیری هایی که پس از این اقدام شدت یافت. بر این اساس در ۱۵ مه، برخی کشورهای اسلامی عرب با اسرائیل وارد جنگ شدند. جنگی که در ژانویه ۱۹۴۹ با شکست این کشورها پایان یافت. این معارضات ادامه داشت تا اینکه بعدها در ۱۹۶۷ دوباره نیروهای عربی در بک صف علیه رژیم صهیونیستی قرار گرفتند. جنگی که پس از شش روز منجر به شکست کشورهای عربی شد و به جنگ شش روزه

نا مبendar گشت.

در خلال این درگیری‌ها، سازمان ملل نیز به نظر می‌رسد کارویژه خود را تسهیل شکل گیری رسمی دولت اسرائیل قرار داده بود. مجمع عمومی این سازمان در 30 نوامبر 1947 با تصویب قطعنامه 181، به تقسیم فلسطین به دو کشور یهود و کشور عرب رأی داد و طی قطعنامه 238 مورخ 11 مه 1949، عضویت اسرائیل در سازمان ملل را تصویب کرد.

این قطعنامه‌ها به انضمام دیگر اقدامات ضد بشری اسرائیل، همچنان که گذشت موجبات خشم حاکمیت‌های کشورهای مسلمان بویژه کشورهای عربی را برانگیخت و در بستر آن جنگ‌های رخ داد. علاوه بر آن علمای کشورهای اسلامی اعم از شیعه و سنی از الازهر مصر تا حوزه علمیه نجف و قم یکم‌دا موضع گیری کردند و این اقدامات را محکوم نمودند.

با صدور قطعنامه 181 سازمان ملل، علاوه بر بازتاب‌هایی که در دیگر کشورهای اسلامی داشت، در ایران نیز تظاهرات و اجتماعاتی علیه آن شکل گرفت. مواضع آیت‌الله کاشانی در این دوره قابل توجه بود و توانست در آن فضای اختناق و سرکوب سیاسی رژیم پهلوی، امواجی از اعتراضات علیه رژیم صهیونیست ایجاد کند.

ایشان همزمان با ایام اربعین حسینی در 1326 به سخنرانی پرداخت و تصریح نمود: برادران مسلمان ما در فلسطین گرفتار حوادث رقت‌آوری شده‌اند... مسلمانان دنیا بایستی با مسلمین فلسطین ایزار همدردی کنند و تا درجه امکان به کمک آن‌ها بستا بند... آیا رواست ذلیل‌ترین ملل عالم در مقابل مسلمین این فجایع را مرتکب شوند و مسلمین آرام بنشینند؟!

آیت‌الله کاشانی بار دیگر در 11 دی ماه 1326، با صدور اعلامیه‌ای در حمایت از مردم فلسطین خطاب به مسلمین جهان، این‌بار علناً سکوت جهانی ناشی از خفقان سیاسی را در هم شکست و تشکیل دولت غاصب اسرائیل را خطری جدی برای آینده مسلمین دانست. در این اعلامه است آمده: سازمان ملل که معلوم نیست وطن بودن فلسطین برای مهاجرین یهودی آلمانی و روسی و آمریکایی و غیره مطابق کدام منطق و قانون است که رای به تقسیم آنها می‌دهند؟ ...علی ای حال بر تمام مسلمین عالم است از هر طریقی که می‌شود از این ظلم فاحش جلوگیری نموده و رفع این مراحت را از مسلمین فلسطین بنمایند.

آیت‌الله کاشانی به این اعلامیه اکتفا نکردند و مردم را به تظاهرات علیه رژیم صهیونیستی دعوت کرد.

متعاقب این اعلام دعوت در روز یکشنبه ۲۰ دی ماه ۱۳۶۶، بیش از ۳۰ هزار نفر از مردم تهران، در مسجد امام خمینی فعلی برای حمایت از مردم فلسطین و تظاهرات علیه رژیم صهیونیستی اجتماع کردند. ترس رژیم پهلوی از صراحت آیت‌الله کاشانی باعث شد که رژیم با قدرت نظامی مانع سخنرانی آیت‌الله کاشانی شود؛ از این رو به دستور وی آیت‌الله فلسفی شروع به سخنرانی می‌کند و مردم را به حمایت از مردم فلسطین و مخالفت با رژیم صهیونیستی به تظاهرات فرا می‌خواند.

مجدداً آیت‌الله کاشانی در ۳۰ اردیبهشت ۱۳۲۷ مردم ایران را به تظاهرات علیه رژیم صهیونیستی دعوت کرد. پس از این دعوت، اجتماع گسترده‌ای از مردم علیه رژیم صهیونیستی تشکیل شد. در این روز آیت‌الله کاشانی ضمن حمله به استعمار و دعوت مردم به اتحاد، گفت: تمام ممالک اسلامی دنیا وطن ماست و ما نیز با تمام قوا جانا و مala نسبت به سهم خود باید از آنها حمایت کنیم و در حفظ منافع و مصالح عالیه مسلمین کوتاهی ننمائیم. ایشان در ادامه سخنان خود از ملت ایران خواست، از هیچ کمکی در راه آزادی فلسطین و مبارزه علیه رژیم صهیونیستی دریغ نکنند. پس از سخنرانی آیت‌الله کاشانی، سیل هجوم مردم برای کمک به مردم فلسطین شدت گرفت و پس از آن در دوم خرداد، پنج هزار نفر از فدائیان اسلام برای شرکت در نبرد علیه رژیم صهیونیستی اعلام آمادگی کردند. شهید نواب صفوی در اعلامیه‌ای با اشاره به اینکه «خون‌های پاک فدائیان رشید اسلام در حمایت از برادران مسلمان فلسطین می‌جوشد» اعلام می‌دارد: «پنج هزار نفر از فدائیان رشید اسلام عازم کمک به برادران فلسطینی هستند و با کمال شتاب از دولت ایران اجازه حرکت سریع به سوی فلسطین را می‌خواهند و منتظر پاسخ سریع دولت می‌باشند.» رژیم پهلوی از خروج آنان جلوگیری کرد.

سرانجام در پی مبارارت استعمار ستیزانه آیت‌الله کاشانی رژیم پهلوی او را به لبنان تبعید می‌کند. حضور اجباری آیت‌الله کاشانی در تبعیدگاه لبنان در همان سال‌های اولیه تشکیل رژیم صهیونیستی باعث شعله‌ورتر شدن مبارزات ضد صهیونیستی در لبنان و سایر کشورهای عربی شد. پس از بازگشت آیت‌الله کاشانی از تبعید و همزمان با قدرت گرفتن نهضت ملی مردم ایران، گروه‌های مختلف و علمای اسلامی از کشورهای مختلف عرب، طی نامه‌هایی به آیت‌الله کاشانی خواستار آن شدند که ایشان جهت قطع رابطه با رژیم صهیونیستی به رژیم فشار آورد. روزنامه اطلاعات نیز در تاریخ ۱۳ تیر ۱۳۳۰ از جوابیه آیت‌الله کاشانی به پرسش تلگرافی خبرنگار مخصوص روزنامه المصری در بغداد خبر داد که طی آن آیت‌الله کاشانی گفته بود: پس گرفتن شناسایی اسرائیل از طرف ایران که رسمیت قانونی هم نداشت، قطعی است. پس از آن در ۱۵ تیر ۱۳۳۰ دکتر مصدق با توجه به اعتراضات مردمی و همجنین فشار آیت‌الله کاشانی و نمایندگان مجلس طی اعلامیه‌ای قطع رابطه با رژیم صهیونیستی را اعلام کرد.

بعد از کودتای 28 مرداد، تلاش رژیم پهلوی در برقراری رابطه با رژیم صهیونیستی باعث نگرانی کشورهای عربی شد و گروه‌های مختلفی از مردم این کشورها با ارسال نامه‌هایی به آیت‌الله کاشانی نگرانی خود را از این موضوع اعلام کردند. آیت‌الله کاشانی در پاسخ به این نامه‌ها اظهار داشت: مادامی که من زنده باشم به خواست خدا رابطه با رژیم صهیونیستی به عمل نخواهد آمد.

آخرالامر در پی مبارزت ضد استعماری آیت‌الله کاشانی به خصوص سازش‌ناپذیری او در قضیه رژیم صهیونیستی و حامیانش، رژیم پهلوی وی را روانه زندان کرد. آیت‌الله کاشانی با وجود آنکه از سال 1335 به شدت تحت نظر رژیم پهلوی قرار می‌گیرد اما در فرصت‌های پیش آمده به موضع‌گیری‌های خود علیه استعمار و استثمار ادامه می‌دهد تا اینکه وی پس از گذاردن دوران سخت بیماری، در اسفند 1340 دار فانی را وداع گفت.

علاوه بر آیت‌الله کاشانی، آیت‌الله بروجردی از دیگر شخصیت‌های مهم و تأثیرگذار جهان اسلام، طی بیانیه‌ای از مسلمانان ایران و سایر ممالک اسلامی دعوت کرد تا مجتمع شوند و در حق یهودیان صهیونیست نفرین و برای پیروزی برادران مسلمان درگیر در جنگ دعا نمایند. ایشان صدق گفتار خداوند درباره شدت عداوت یهود نسبت به مسلمانان را بادآور می‌شود و اعلام می‌دارد یهود می‌خواهد:

«انتقام آن همه نیکی‌ها را که در آن مدت طولانی از مسلمانان دیده‌اند، از آن‌ها بگیرند. مردان شایسته را تحت تعقیب و ارعاب قرار داده و به قتل می‌رسانند، اطفال آن‌ها را کشته، و اعراض آن‌ها را مورد هتك قرار داده و معابد و خانه‌ها را ایشان را تخریب نموده، و از هیچ شرارت و جنایتی نسبت به آن‌ها ابا ندارند، و از هیچ‌گونه تجاوز و تعدی دست بردار نیستند.»

همچنین آیت‌الله سید محمد بهبهانی از علمای وقت تهران نیز در نامه‌ای خطاب به پاپ رهبر کاتولیک‌های جهان در تاریخ 1 خرداد 1327 نسبت به مسئله فلسطین واکنش نشان داد. وی در این نامه با اشاره به اینکه «خبرهای اسف‌انگیز فلسطین در محافل روحانی و ملی کشور ایران تاثیرات عمیقی کرده و نظر مراکز حساس و روحانیت را بخود جلب نموده است»، فتنه‌انگیزی و ماجراجویی جمعیت لجوج و حریص یهود را باعث روسیاهی تاریخ بشربیت می‌داند و می‌افزاید: «بحکم قضاوت تاریخ باید این جمعیت را دشمن نوع بشر دانست.» ایشان در این نامه «پشتیبانی پاره‌ای ملل مسیحی از آن‌ها و برسمیت شناختن دولت پوشالی اسرائیلی» را مایه تعجب و تحیر بسیار دانست و اعلام می‌کند: «چه شده است که محافل روحانی مسیحیت بجای آنکه دولت‌ها بی را که با دشمنان مسیح دست دوستی داده و با آغوش باز آن‌ها را پذیرفته‌اند بخطای خود آگاه کند و ملل دین‌دار عیسوی را از خواب غفلت بیدار کند، بسکوت فرورفته و

علاوه بر صدور این نامه، در روز هفتم خرداد ۱۳۲۷ با حضور آیت‌الله سید محمد بهبهانی و عده‌ای دیگر از علماء و محتدین و نمایندگان مجلس شورای ملی و مدیران جراید دینی و ملی و تجار و کسبه، مراسم باشکوهی تشکیل شد. در این مراسم، ابتدا دو هزار نفر از داوطلبان اعزام به فلسطین اقدام به تظاهراتی باشکوه کردند. نمایندگان سیاسی کشورهای عربستان، عراق، لبنان، پاکستان و مصر به شدت تحت تأثیر این مراسم قرار گرفتند. همچنین بیش از شش هزار نفر از مردم تهران به عنوان داوطلب جنگ اعلام آمادگی کردند.

در کنار دیگر علمای شیعه و سنی، نقش امام خمینی نیز قبل و بعد از انقلاب اسلامی بی بدل بود. امام خمینی در زمینه به رسمیت شناختن اسرائیل توسط شاه فرمود: دولت ایران به امر شاه، دولت اسرائیل را به رسمیت شناخت. ما شاهد کمک‌های شاه به اسرائیل بودیم، درحالی‌که این دولت غاصب مسلمانان را آواره کرد و به خاک و خون کشید. امام در خرداد سال ۱۳۴۲ در نطق معروف خویش که به بازداشت ایشان و قیام پانزده خرداد انجامید، چنین فرمود: «امروز به من اطلاع دادند که بعضی از اهل منبر را برده اند در سازمان امنیت و گفته اند: شما با سه موضوع کار نداشته باشید،... یکی اینکه با شاه کاری نداشته باشید و از او حرف نزنید و یکی هم اینکه با اسرائیل کار نداشته باشید و یکی هم اینکه نگویید دین در خطر است.»

تشدید مواضع امام خمینی علیه اسرائیل را می‌توان پس از حمله گسترده این رژیم به کشورهای عربی اسلامی در ۱۳۴۶ دید. ایشان در ۱۷ خرداد همین سال، طی پیامی به مناسبت جنگ شش‌ماهه اعراب و اسرائیل، فتوای انقلابی مبنی بر حرمت هرگونه رابطه تجاری و سیاسی دولت‌های اسلامی با اسرائیل و نیز حرمت مصرف کالاهای اسرائیلی در جوامع اسلامی را صادر کرد. ایشان به دولت‌ها و به‌ویژه دولت ایران توصیه کردند از اسرائیل و عُمال خطرناک آن دوری کنند. همچنین امام کمک به اسرائیل، چه در قالب فروش اسلحه و مواد منفجره و چه فروش نفت را حرام و مخالفت با اسلام دانستند.

اقدامات امام خمینی در جهت تقویت فلسطین پس از پیروزی انقلاب نیز ادامه یافت. ایشان در اوایل پیروزی انقلاب در پیامی لزوم این کار را این گونه بیان می‌فرماید: «اسرائیل، این جرثومه فساد همیشه پایگاه امریکا بوده است. من در طول نزدیک به بیست سال خطر اسرائیل را گوشزد نموده ام. باید همه به پاخیزیم و اسرائیل را نابود کنیم.»

از دیگر اقدامات امام، اعلام «روز جهانی قدس» بود. امام در مرداد ماه ۱۳۵۸، آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را به عنوان روز قدس اعلام نمودند. در چنین شرایطی این اقدام بسیار شگفت آور بود. انقلاب تازه به پیروزی رسیده بود و کشور در شرایط خاصی قرار داشت. از جمله آنکه دولت وقت بازرسان در ایران بر سر کار بود و اهتمامی به این امور نداشت و از سوی دیگر یازده سال قبل از انقلاب اسلامی، کشورهای عربی در جنگ شش روزه علیه اسرائیل شکست خورده بودند و اسرائیل یک دهه قدرت و اقتدار را سپری کرده بود. شکستی که بسیاری را مبهوت و ساکت ساخته بود. اردن که در جنگ شش روزه بر علیه اسرائیل شرکت داشت، چند سال بعد با آوارگان فلسطین درگیر شد. جمال عبدالناصر نیز از دنیا رفت و انور سادات جای او را گرفت و بعدها خیانت های بزرگی به ناصر و مصر و مسلمانان کرد. قرارداد کمپ دیوید در ۱۹۷۸ توسط انور سادات با اسرائیل منعقد شد. اکنون در این وضعیت و با سپری شدن اندک زمانی از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۱۹۷۹، امام روز قدس را اعلام نمودند و این روز را روز اسلام معرفی کردند. نکته حائز اهمیت این است که پس از اعلام روز قدس، این روز به عنوان نمادی از همیستگی مسلمانان تبدیل شد. امری که اسرائیل در صدد خدشه دار کردن آن بود. از این رو امام خمینی تفرقه افکنی اسرائیل را بدین سان یادآور می شود: «امروز اسرائیل با تمام وسائل شیطانی تفرقه افکنی می کند. بر هر مسلمانی لازم است خود را علیه اسرائیل مجهز کند». ایشان نقش مردم کشورهای اسلامی را در برابر رژیم صهیونیستی بسیار مهم می دانست و همواره با تأکید بر اینکه خواسته اصلی اسرائیل، نا بود کردن اسلام است، خواستار کنار گذاشتن اختلاف ها بود، چنانکه فرمود: «اگر مسلمین متحد بودند، هر کدام یک سطل آب به اسرائیل می ریختند، او را سیل می برد.» در این مسیر سازشکاران با اسرائیل از سوی امام خمینی بسیار تقبیح می شد. ایشان در پیام برائت سال ۱۳۶۶ فرمودند:

«ملتهای مسلمان باید به فکر نجات فلسطین باشند و مراتب انجار و تنفر خویش را از سازشکاری و مصالحه رهبران ننگین و خود فروخته‌ای که به نام فلسطین، آرمان مردم سرزمین‌های غصب شده و مسلمانان این خطه را به تباہی کشیده‌اند به دنیا اعلام کنند و نگذارند این خائنان بر سر میز مذاکره‌ها، و رفت و آمددها، حیثیت و اعتبار و شرافت ملت قهرمان فلسطین را خدشه‌دار کنند... نکند که اینان تصوّر کرده‌اند که گذشت زمان، سیرت و صورت جنایتهای اسرائیل و صهیونیسم را دگرگون ساخته است و گرگ‌های خون‌آشام صهیونیسم از فکر تجاوز و غصب سرزمین‌های از نیل تا فرات دست برداشته‌اند. مسئولین محترم کشور ایران و مردم ما و ملتهای مسلمان از مبارزه با این شجره خبیثه و ریشه‌کن کردن آن، دست نخواهند کشید و به باری خداوند تعالی از قطرات پراکنده پیروان اسلام و توان معنوی امت محمد-صلی الله علیه و آله و سلم - و امکانات کشورهای اسلامی باید استفاده کرد و با تشکیل هسته‌های مقاومت حزب ا در سراسر جهان، فلسطین را از چنگال [صهیونیستها] خارج کرد.... به خدای تعالی توکل کنید و از قدرت معنوی مسلمانان بھر بجویید و با سلاح تقوا و جهاد و صبر و مقاومت بر دشمنان حمله

بیرید که «ان تنصر و آن ینصر کم و بثیت اقدامکم».

این دست اقدامات امام خمینی بود که توانست روح مقاومت در برابر اسرائیل را در میان امت مسلمان برانگیزد تا اینکه پس از رحلت ایشان نیز این راه ادامه یابد و روز قدس در بسیاری از کشورها در حمایت از فلسطین برگزار شود.

برای مطالعه بیشتر بنگرید:

اسناد مهاجرت یهودیان ایران به فلسطین (1300 – 1330 ش)، به کوشش مرضیه یزدانی، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، 1374.

سید جلال الدین مدنی، ایران اسلامی در برابر صهیونیسم، تهران، سروش، 1362.

علی اکبر ولایتی، ایران و تحولات فلسطین، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، مرکز چاپ و انتشار وزارت امور خارجه، 1380.

علی محمدی، آیت الله کاشانی رایت استقلال، سازمان تبلیغات اسلامی، 1373.

فیروز نجفی، بررسی تاریخی پیدایش رژیم صهیونیستی و تاثیرپذیری مبارزان فلسطینی از انقلاب اسلامی ایران، پژوهش نامه تاریخ، سال 6، شماره 21.

مجموعه دیدگاهها و سخنان امام درباره رژیم اشغالگر قدس، امام در برابر صهیونیسم، تهران، دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، 1361.

مسئله فلسطین در کلام حضرت آیت الله خامنه‌ای، پیشخوان 17، نشر توسط دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله العظمی خامنه‌ای، بی‌تا، بی‌نا.

مهdi قیصری، رهبری به نام نواب، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، 1384.

نسیم قدس، ماهنامه جمعیت حامیان آزادی قدس شریف، شماره 10، مرداد و شهریور 1388.

